

*Analysis of the literary style of Ahmad Shoghi in the ode of anniversary
Denshyai a study of the literary style of Hafez Ibrahim in the ode of the
incident of Denshyai based on Buziman Equation.*

Ahad Shirzadi¹  / Naser Zare^{2*}  / Mohammad Javad pourabed³  Ali Khezri⁴ 

Abstract:

The Denshawai event is considered one of the most important political events in the political history of Egypt and even the political history of the Arabs and it was natural that it would have a double impact on poets and their poems. Buziman's equation is an emotion meter equation that can be used to measure the level literary style. Ahmad Shoghi and Hafez Ibrahim were among the first contemporary poets who addressed this issue despite being very different from each other in terms of political and social status. Therefore it does not seem pointless to raise such a question what factor has caused these two contemporary poets to be among the pioneers of the response to this incident? Ahmad Shoghi (1868-1932) has depicted this event in a 14 line ode titled "Denshawai Anniversary" and Hafez Ibrahim (1871-1932) in a 24 line ode entitled Denshawai incident. The aim of the upcoming article is to evaluate the level of literary style in the aforementioned poems. Which is written based on Buziman's equation a famous German scientist to show which of the two poet style is more literary in the shadow of statistical stylistics? It should be mentioned that the present research was written with analytical statistical method and stylistic approach. The findings of the research show that Ahmad Shoghi's style is more literate due to the use of domestic and foreign music and his influence on the emotions and imagination of Ferench romantic poets and greats including Victor Hogo.

Keywords: Ahmad Shoghi, Hafez Ibrahim, Denshawai, Stylistics, Buziman Equation.

¹ . Ph.D. Student in Arabic Literature, Faculty of Literature and Humanities, Persian Gulf University, Bushehr, Iran. E-mail: ahad.shirzadi@mehr.pgu.ac.ir

² . Associate Professor of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Persian Gulf University, Bushehr, Iran. . (**Corresponding Author**) E-mail: nzare@pgu.ac.ir.

³ . . Associate Professor of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Persian Gulf University, Bushehr, Iran. E-mail: m.pourabed@pgu.ac.ir.

⁴ . Associate Professor of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Persian Gulf University, Bushehr, Iran. E-mail: alikhezri@pgu.ac.ir.

doi: [10.22034/caat.2025.531912.1142](https://doi.org/10.22034/caat.2025.531912.1142)

تحلیل ادبیت سبک احمد شوقی در قصیده «ذکری دنشوای» و سبک حافظ ابراهیم در قصیده «حادثه دنشوای» بر اساس معادله بوزیمان

احمد شیرزادی^۱ ID، دکتر ناصر زارع^۲ ID، دکتر محمدجواد پورعابد^۳ ID

دکتر علی خضری^۴ ID

(از ص ۷۰ تا ص ۸۸)

چکیده

واقعه دنشوای یکی از مهم‌ترین حوادث سیاسی در تاریخ سیاسی مصر به شمار می‌رود و طبیعی بود که تأثیر مضاعفی بر شاعران و اشعار آن‌ها بگذارد. معادله بوزیمان معادله‌ای عاطفه‌سنج است که می‌توان بر اساس آن میزان ادبیت سبک‌ها را سنجید. احمد شوقی و حافظ ابراهیم از جمله شاعران معاصر بودند که علی‌رغم اینکه از نظر موقعیت سیاسی و اجتماعی تفاوت ویژه‌ای با همدیگر داشتند، به این موضوع پرداختند؛ از این رو طرح چنین پرسشی بیهوده به نظر نمی‌رسد که چه عاملی باعث شده است که این دو شاعر معاصر، به این حادثه واکنش نشان دادند؟ احمد شوقی (۱۸۶۸-۱۹۳۲) در قصیده‌ای ۱۴ بیتی تحت عنوان «ذکری دنشوای» و حافظ ابراهیم (۱۸۷۱-۱۹۳۲) نیز در قصیده‌ای ۲۴ بیتی با عنوان «حادثه دنشوای» این واقعه را به تصویر کشیده‌اند. هدف نوشتار پیش رو، بررسی موازنه‌ای میزان ادبیت سبک در قصاید فوق‌الذکر است که با تکیه بر معادله بوزیمان، دانشمند معروف آلمانی نگاشته شده است تا نشان دهد در سایه سبک‌شناسی آماری، سبک کدام یک از دو شاعر، ادبی‌تر است. گفتنی است که پژوهش حاضر با روش تحلیلی-آماری و با رویکرد سبک‌شناسانه نگاشته شده است. یافته‌های پژوهش، بیانگر آن است که سبک احمد شوقی بخاطر به کارگیری نوع موسیقی داخلی و خارجی و تأثیر پذیری وی از عاطفه شاعران و بزرگان رومانسیسم فرانسوی از جمله ویکتور هوگو از ادبیت بیشتری برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: احمد شوقی، حافظ ابراهیم، دنشوای، سبک‌شناسی، معادله بوزیمان.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول) h.pashaei60@gmail.com

۲. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. kh.asadollahi50@gmail.com

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. a_salahi@uma.ac.ir

۴. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. fatemeh.modaresi@yahoo.com

۱-۱. تعریف موضوع

ادبای قرن اخیر سبک را مجازاً به معنی طرز خاصی از نظم یا نثر به کار برده و تقریباً آن را در برابر «استیل» (Style) نهاده‌اند (بهار، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱). سبک‌شناسی از جمله علوم ادبی است که در حوزه نقد، اهمیت خاصی دارد و آن شیوه‌های مهم در بررسی ویژگی‌های آثار ادبی و همچنین وسیله دستیابی به منظور تحلیل و بررسی آثار یک ادیب است. در واقع سبک به روش خاص هر شاعر یا نویسنده گفته می‌شود که برای بیان افکار و احساسات و عواطف خویش آن را برمی‌گزیند که متأثر از عوامل محیطی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و روحی شاعر یا نویسنده است. سبک هر شاعر یا نویسنده با سبک دیگری متفاوت است. سبک‌شناسی آماری، شاخه‌ای از سبک‌شناسی زبان است که با روش ریاضی و آماری، متون ادبی را بررسی می‌کند. دانشمند آلمانی آ. بوزیمان از جمله کسانی بود که به این روش آماری اعتماد کرد و آن را در متن ادبیات آلمانی به کار برد. سعد مصلوح، زبان‌شناس مصری، نظریه شبک‌شناسی آماری را که بوزیمان، آن را ابداع کرده بود، بومی‌سازی کرد و از شاخه‌های نقد جدید برشمرد. در واقع معادله بوزیمان، برای تشخیص سبک علمی از سبک ادبی با تعیین کمیّت و نسبت افعال به صفات به کار می‌رود (مصلوح، ۱۹۹۲: ۷۴).

پژوهش حاضر با تکیه بر سبک‌آماری یاد شده و بر اساس معادله بوزیمان انجام می‌گیرد و در پی موازنه میان دو شاعر مصری است که یک حادثه سیاسی را موضوع شعر خود قرار داده‌اند. مهم نیست که حادثه دانشوای به چه میزان می‌تواند یک حادثه سیاسی باشد که طراح اصلی آن اشغالگران انگلیسی‌ها و قربانیان آن، گروه کوچکی از مصریان بودند؛ بلکه می‌توان آن را یک حادثه اجتماعی دانست که گوشه‌ای از جامعه مصر را، در آن زمان به تصویر می‌کشد که این دو شاعر مصری از آن متأثر گشته و در برابر آن قد علم کرده‌اند.

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف

از آن جایی که اساس کار معادله بوزیمان مطالعه تطبیقی و موازنه‌ای است و از طرف دیگر، دو شاعر نام‌برده از شاعران معاصر اهل کشور مصر هستند، ایجاب می‌کند که موضوعی انتخاب شود که هر دو شاعر درباره آن موضوع، شعر سروده باشند. به همین خاطر، موضوع حادثه دانشوای برای این پژوهش انتخاب شد. بی‌شک پژوهشی که با تکیه بر شیوه‌های آماری در مسیر گسترش مرزهای ذهنی مخاطب و تعمیق اندیشه وی با هدف پرسشگری و نواندیشی گام بردارد، می‌تواند راه‌های جدیدی فراروی محققان در نقد و تحلیل آثار ادبی بگشاید. این مطالعه را می‌توان نمونه‌ای از تلفیق و ترکیب روش‌ها و داده‌های کمی و کیفی به حساب آورد که در آن، هردو رهیافت، به دنبال تکمیل یکدیگر، به کار گرفته شده‌اند. همان‌طور که پیش‌تر ذکر گردید، هدف از این مطالعه، مقایسه سبک دو قصیده احمد شوقی و حافظ ابراهیم در مورد حادثه دانشوای و بیان کمیّت سبک ادبی دو قصیده مذکور بر مبنای معادله بوزیمان است؛ بنابراین شناخت مهم‌ترین شاخصه‌هایی که این دو سبک را از همدیگر متمایز کرده، مورد توجه است. شاعران دیگری همچون صلاح عبدالصبور نیز درباره این حادثه، شعر سروده‌اند اما وحدت رویه سبک بوزیمان ایجاب می‌کند که دو شاعری انتخاب شود که قالب شعر آن‌ها همانند هم

باشند؛ زیرا احمد شوقی و حافظ ابراهیم در قالب کلاسیک به این موضوع پرداخته‌اند؛ اما صلاح عبدالصبور با استفاده از شعر نو، این حادثه را به تصویر کشیده است.

۳-۱. پرسش‌های پژوهش

۱- سبک کدام یک از دو شاعر، احمد شوقی یا حافظ ابراهیم، بر اساس معادله بوزیمان، ادبی‌تر است؟

۲- عوامل اثرگذار در افزایش و کاهش ادبیت، در هردو قصیده چیست؟

۳- نقش محیط و عامل روانی به چه میزان در ادبیت سبک دو شاعر تاثیر داشته است؟

۴-۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های فراوانی درباره احمد شوقی و حافظ ابراهیم و همچنین معادله بوزیمان نگاشته شده است. با این وجود، هیچ پژوهش مستقلی تحت عنوان مقاله حاضر و با این رویکرد و با موضوع حادثه دانشوای صورت نگرفته است. و همین امر نیز سبب شده است تا ضرورت انجام این پژوهش احساس شود؛ از این رو، پژوهش‌هایی که بیشترین قرابت موضوعی با این پژوهش را داشتند، به شرح زیر است:

سعد مصلوح (۱۹۹۲) نویسنده و زبان‌شناس مصری در کتاب «الأسلوب: دراسة لغوية احصائية» به بررسی ادبیت سبک‌ها در متون نثری، نمایش‌نامه‌ها و رمان‌ها پرداخته است. در واقع وی برای اولین بار معادله بوزیمان را در ادبیات عربی مصر پیاده و آن را بومی‌سازی کرده است. او در این کتاب در روشی نوین جهت ارزیابی یک متن، بر معادله بوزیمان تکیه می‌کند و در سه فصل پایانی این کتاب نیز با تکیه بر روش آماری به مقایسه سبک نویسندگی برخی از نویسندگان می‌پردازد. روستایی و صدقی (۱۳۹۵) در شماره ۴ مجله اللغة العربية و آدابها» مقاله «دراسة أسلوبية لمذائح المتنبی و ابن هاني الأندلسي في ضوء معادلة بوزيمان» را به چاپ رسانده‌اند که در آن، سبک‌شناسی تطبیقی مذائح متنبی و ابن هانی اندلسی بر اساس معادله بوزیمان بررسی شده است. عامر صلال راهی الحسنای، پژوهشگر عراقی در مقاله «حادثه دانشوای موضوعاً شعریاً بین أحمد شوقي و حافظ ابراهیم، دراسة موضوعية فنية موازنة» که در دانشگاه المثنی عراق به چاپ رسیده است، حادثه دانشوای را از منظر زیبایی‌های فنی و همچنین از جنبه تاریخی و سیاسی بررسی کرده است؛ اما در آن مقاله، هیچ اشاره‌ای به معادله بوزیمان و سبک دو شاعر نکرده است. زهره ناعمی و لیلیا ترابی‌حور (۱۳۹۸) مقاله «بررسی ادبیت سبک مجموعه شعری «قالت لي السمراء» نزار قبانی و «رستاخیز» سیمین بهبهانی بر اساس معادله بوزیمان» را در شماره ۴ کاوشنامه ادبیات تطبیقی کرمانشاه به چاپ رسانده‌اند که به بررسی میزان ادبیت سبک دو شاعر نام‌برده، پرداخته و در نهایت به این نتیجه رسیده‌اند که عامل جنسیت باعث ادبی‌تر شدن مجموعه شعری «رستاخیز» سیمین بهبهانی نسبت به مجموعه شعری «قالت لي السمراء» نزار قبانی شده است.

بسمه عبدالرحیم سعدالدین (۲۰۲۴) در مقاله «قصیده حادثه دانشوای لحافظ ابراهیم فی ضوء المنهج البنيوي» که در دانشگاه الأزهر مصر به چاپ رسیده است، قصیده دانشوای *حافظ ابراهیم* را از نظر ساختار واژگانی، ترکیبی و صوتی بررسی کرده است و آثار دیگری که مجال ذکر تک تک آن‌ها در این پژوهش نیست.

۱-۵-۱. معادله بوزیمان

معادله‌ای که برای قیاس ویژگی‌ها و تشخیص کمی زبان ادبی، از آن استفاده می‌شود، معادله بوزیمان نام دارد. تشخیص بین سبک‌ها، امری است که ذهن پژوهشگران بسیاری را در حوزه نقد به خود مشغول داشته است. روش آماری یکی از روش‌های جدید در حوزه اسلوب‌شناسی به حساب می‌آید که می‌توان بر اساس آن، اسلوب‌ها را مشخص و از مشکلات بسیاری در این راستا گره گشود. *بوزیمان*، یک دانشمند آلمانی بود که اولین بار این معادله را پیشنهاد و سپس آن را برمتونی از ادبیات آلمانی تطبیق داد (مصلوح، ۱۹۹۲: ۷۳).

۱-۵-۲. مراحل و نحوه اجرای معادله بوزیمان در متن

معادله بوزیمان، معادله‌ای است که به کمک آن می‌توان متون ادبی را از متون غیر ادبی تشخیص داد و این کار به وسیله نسبت کلمات و واژگانی که بر انجام کار و رخداد دلالت دارند، به نسبت کلمات و واژگانی که دلالت بر صفت دارند انجام می‌شود؛ یعنی با شمارش تعداد کلمات نوع اول و تعداد کلمات نوع دوم و تقسیم نوع اول، بر نوع دوم مشخص می‌شود و خارج قسمت این تقسیم، نتیجه به دست آمده خواهد بود که افزایش یا کاهش نسبت فعل به صفت را در پی خواد داشت. و در صورت افزایش نسبت فعل به صفت، سبک، به زبان ادبی نزدیک‌تر خواهد بود و عکس آن؛ یعنی کاهش این نسبت نزدیک شدن سبک به زبان علمی را در پی خواهد داشت. برای این کار وی از دو اصطلاح استفاده کرده است: (همان: ۷۵-۷۴).

۱- **تعبیر فعلی:** منظور از تعبیر فعلی همان کلمات و واژگانی است که بر رخداد و وقوع کاری دلالت می‌کند و زمان را هم در خود جای می‌دهند.

۲- **تعبیر وصفی:** منظور از واژگان دسته دوم، عبارت‌ها و کلماتی است که فقط بر صفت و ویژگی‌های یک اثر اشاره دارد و خالی از قید زبان است؛ همان طور که ذکر شد معادله بوزیمان از دو متغیر «تعداد افعال» «*Nam ber Of Verbes*» و «تعداد صفات» «*Namber Of Adjectives*» تشکیل شده است که نقش اصلی را در این معادله

بازی می‌کند. در عربی سعد *مصلوح* آن را «ن.ف.ص» نامیده است که شکل آن در زبان فارسی
$$= \frac{\text{تعداد افعال}}{\text{تعداد صفات}}$$
 نسبت فعل به صفت است (مصلوح، ۱۹۹۲: ۷۶). مجموع اعداد به دست آمده از این نسبت، هرچقدر بالاتر باشد، سبک اثر، از ادبیّت بیشتری برخوردار است و هرچقدر این عدد کمتر باشد، سبک به علمی بودن نزدیک‌تر است. البته شمارش فعل‌ها و صفت‌ها در این نظریه، از انضباط خاصی پیروی می‌کند و ما مجاز نیستیم تمام فعل‌ها را شمارش کنیم. بلکه فقط فعل‌هایی که بر رخداد و زمان، باهم دلالت دارند، قابل شمارش است.

۱-۵-۳. معیارهای شناخت فعل‌ها و صفت‌ها

افعالی مانند افعال ناقصه، افعال مقاربه، افعال جامد و اسم فعل‌ها که بر زمان، به تنهایی دلالت دارند یا بر رخدادی بدون تأثیر زمان‌های سه‌گانه دخالت دارند، تحت شمارش قرار نمی‌گیرند (همان:ص ۷۴). محاسبهٔ صفت‌ها با در نظر گرفتن ضوابط ویژه‌ای انجام می‌شود، واژگانی که در زمرهٔ صفات به حساب می‌آیند به شرح زیر است:

۱. تمام صفت‌های مشتق اعم از اسم فاعل، اسم مفعول، صفت مشبّهه و اسم تفضیل.

۲. صفت‌های جامد مؤول به مشتق؛ مانند مصدری که صفت واقع می‌شود.

۳. صفت یا صفت‌های معطوف به صفت دیگر.

۴. اسم موصول بعد از اسم معرفه.

۵. اسم اشاره بعد از اسم معرفه.

۶. اسم منسوب.

نکته قابل تأمل این است که جملات و شبه جمله‌هایی که صفت قرار می‌گیرند، جزو شمارش قرار نمی‌گیرند. از طرف دیگر، اگر صفات مشتق معنای فعلی گرفته و به جای افعال به کار روند و همانند آن‌ها در معمول خود عمل کنند، جزو افعال محاسبه و شمرده می‌شوند (ر.ک: مصلوح، ۱۹۹۲: ۷۷).

۱-۵-۴ - عوامل و شاخصه‌های تأثیرگذار در میزان نسبت فعل به صفت

سعد مصلوح در کتاب «الأسلوب: دراسة لغوية احصائية»، عوامل و شاخصه‌هایی را مطرح کرده است که افزایش یا کاهش این شاخصه‌ها در متون، میزان نسبت فعل به صفت را دست‌خوش تغییرات خود قرار می‌دهد و می‌توان این شاخصه‌ها را به دو نوع جداگانه تقسیم بندی کرد (همان: ۸۰).

الف: شاخصه‌های ساختاری، شاخصه‌هایی که به شکل اثر ادبی مرتبط می‌باشد:

۱. افزایش نسبت فعل به صفت در اثر ادبی (قصه، قصیده، روایت و ...) در مقایسه با اثر علمی.

۲. افزایش نسبت فعل به صفت در زبان محلی (لهجه) در مقایسه با زبان فصیح و رسمی.

۳. افزایش نسبت فعل به صفت در سخن شفاهی در مقایسه با سخن مکتوب یا نوشتاری.

۴. افزایش نسبت فعل به صفت در شعر غنایی و کاهش آن در شعر موضوعی.

۵. افزایش نسبت فعل به صفت در متون شعری در مقایسه با متون نثری.

۶. افزایش نسبت فعل به صفت در نثر ادبی در مقایسه با نثر مطبوعاتی.

ب: شاخصه‌های محتوایی، شاخصه‌هایی که به محتوا و مضمون اثر ادبی مرتبط می‌باشد:

۱. **عمر:** منحنی نسبت فعل به صفت، معمولاً ارتباط زیادی به مراحل عمر دارد. این بدان معنی است که دوران کودکی و جوانی افزایش نسبت فعل به صفت را به دنبال دارد. حال آن که این نسبت در دوران کهنولت رو به کاهش است.

۲. **جنسیت:** میزان نسبت فعل به صفت در نزد زنان، بیش‌تر از مردان است. این فرضیه را می‌توان بر روی ادبیات زنان و ادبیات مردان اجرا کرد؛ اما به شرط آن که سایر شاخصه‌ها و عوامل اثرگذار در میزان نسبت فعل به صفت (ساختاری و محتوایی) نیز موجود باشد. کاربرد واژگان نزد زنان، برخلاف مردان، با الفاظی همراه است که با روحیهٔ زنان در اجتماع هم‌خوانی دارد (شمس‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۷).

۱-۵-۵. چالش معادلهٔ بوزیمان در ادبیات عربی

بعضی از زبان‌ها از جمله زبان انگلیسی، شرایط پیچیده‌ای برای شمارش فعل‌ها و صفت‌ها ندارند؛ یعنی پژوهشگران می‌توانند در گزینش فعل‌ها و صفت‌ها، تمامی فعل‌ها، به جز فعل کمکی و تمامی صفت‌ها که در تعبیر، صفت واقع می‌شوند را در آمار خود قرار دهند؛ اما در زبان عربی شرایط خاص و استثنائی برای فعل و صفت در نظر گرفته می‌شود (ناعمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۹). نکتهٔ پیچیده‌ای که بوزیمان در این معادله با آن مواجه بود، به طور دقیق مشخص کردن کلماتی است که بیانگر فعل و یا صفت باشند. این مشکل در زبان عربی نیز چالش‌هایی را به وجود آورده است؛ زیرا برخی از کلمات، چون اسم فاعل، اسم مفعول و صفت مشبّه در واقع، وصفی هستند که عمل فعل را انجام می‌دهند و انتساب این کلمات به فعل یا صفت کار دشواری است. از طرف دیگر برخی از افعال چون: افعال ناقصه، افعال مقاربه، افعال شروع و مدح و ذم، افعالی هستند که به صورت واضح، دلالت بر انجام کار ندارند (بهروزی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹). قابل ذکر است که در این پژوهش، فقط افعالی به شمارش درآمده‌اند که بیانگر زمان و رخداد باشند. و از شمارش افعالی که فقط بیانگر زمان هستند و همچنین افعال جامد که فقط بر انجام کار دلالت دارند، خودداری شده است؛ به همین سبب افعال ناقص، مقاربه، شروع، مدح و ذم و افعال جامد، به شمارش نیامده‌اند. همچنین از شمارش صفات و جمله‌های وصفی مثل جمله‌های فعلیه، اسمیه، شبه جمله و متعلق به محذوف که صفت به حساب می‌آیند، خودداری شده است. و موارد دیگری مثل جامد مؤول به مشتق، اسم موصول و اسم اشاره بعد از معرفه و صفات مفرد نیز به شمارش درآمده‌اند.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۲-۱. حادثهٔ دنشوای

حادثهٔ دنشوای یک شاهد عملی و قاطع از جنبهٔ نژادپرستانه و سلطهٔ استعماری انگلیس در مصر بود. حادثه‌ای که عواطف و احساسات شاعران و نویسندگان را برانگیخت و توجه آنان را به خود معطوف کرد. حادثه از این قرار بوده است که در روز چهارشنبه ۱۳ ژوئن ۱۹۰۶ میلادی، تعدادی از سربازان انگلیسی به قصد شکار کبوتر، وارد دنشوای مصر شدند و بخاطر شلیک گلوله، تعدادی از اهالی دنشوای مجروح شدند؛ به همین خاطر مردم محله با نیروهای انگلیسی درگیر شدند که باعث مجروح شدن تعدادی از آن‌ها شد و در این بین یکی از نیروهای

انگلیسی به شدت زخمی شد و در مسیر انتقال به مرکز درمانی، از شدت گرمزدگی، جان خود را از دست داد. لردکرومر که در آن زمان، خارج از مصر بود، در واکنش به این اتفاق، خشمگین شد و دستور تشکیل دادگاهی ویژه، برای این حادثه داد. در نهایت آن دادگاه برای چهار نفر از اهالی دانشوای، حکم اعدام و برای هشت نفر از آن‌ها حکم شلاق و زندان صادر کرد (ابراهیم، ۲۰۰۴: ۲۰). با توجه به حساسیت موضوع، احمد شوقی و حافظ ابراهیم، از شاعران معاصر بودند که این حادثه را به تصویر کشیدند. در این پژوهش سعی شده است که دو قصیده مشابه با موضوع واحد؛ یعنی حادثه دانشوای، انتخاب شود. در همین راستا، تمام مراحل اجرای معادله بوزیمان که پیش‌تر ذکر گردید بر هر دو قصیده به صورت یکسان اجرا گردیده است تا نتیجه آن نیز در شرایط مساوی به دست آید. شایان ذکر است که به خاطر محدودیت مجال و اینکه کل قصیده احمد شوقی از ۱۴ بیت تشکیل شده است، فقط ۱۴ بیت نخست هر دو قصیده، به عنوان نمونه کار انتخاب شده است که اجرای معادله بوزیمان بر آن صورت گیرد تا میزان ادبیت سبک دو شاعر با حجمی یکسان سنجیده شود.

۲-۲. قصیده «ذکری دانشوای» احمد شوقی در وصف یکمین سالگرد حادثه دانشوای

احمد شوقی از جمله شاعران معاصر بود که در قصیده ذکری دانشوای، نسبت به آن واکنش نشان داد و خواستار آزادی زندانیان مصری شد. چون احمد شوقی شاعر دربار بود و در مورد رویدادهای ملی سیاسی و اجتماعی از آزادی کمتری برخوردار بود، واکنش دیرنگام احمد شوقی نسبت به حادثه دانشوای، مؤید همین مطلب است. شوقی تنها دو بار به این حادثه واکنش نشان داده است: بار اول در یکمین سالگرد حادثه دانشوای که در آن، ضمن انتقاد از سیاست‌های انگلیسی‌ها، خواستار آزادی زندانیان مصری شده است. و بار دوم در قصیده «فی وداع کرومر» که فقط در یک بیت آن، از انتصاب یکی از قضات حادثه دانشوای به مناصب بالاتر انتقاد کرده است. نکته قابل تأمل این است که سرودن هر دو قصیده بعد از بازنشستگی لردکرومر اتفاق افتاده است (صلال راهی، دون تا: ۱۲۳).

- | | |
|--|--|
| ۱. یا دِنشَوای، علی رُبَاکِ سَلام | ذَهَبَتْ بِأَنْسِ رُبُوعِکِ الْأَيَّامِ |
| ۲. شَهْدَاءُ حُكْمِکِ فِي الْبِلَادِ تَفَرَّقُوا | هِيهَاتَ لِلشَّمْلِ (الشَّتِيتِ) نِظَامُ |
| ۳. مَرَّتْ عَلَيْهِمْ فِي اللَّحُودِ أَهْلَةٌ | وَمَضَى عَلَيْهِمْ فِي الْقِيُودِ الْعَامُ |
| ۴. كَيْفَ الْأَرَامِلُ فَيْكَ بَعْدَ رِجَالِهَا؟ | وَبِأَيِّ حَالٍ أَصْبَحَ الْأَيْتَامُ |
| ۵. عَشْرُونَ بَيْتاً أَقْفَرْتُ، وَانْتَابَهَا | بَعْدَ الْبِشَاشَةِ وَحِشَّةٍ وَظِلَامُ |
| ۶. يَالَيْتَ شَعْرِي: فِي الْبُرُوجِ حَمَائِمُ | أَمْ فِي الْبُرُوجِ مَنِيَةٌ وَحِمَامُ |
| ۷. «نِيرون»، لَوْ أَدْرَكَتْ عَهْدَ «كرومر» | لَعَرَفْتُ كَيْفَ تُنْفِذُ الْأَحْكَامُ! |
| ۸. نُوحِي حَمَائِمَ دِنشَوای، وَ رُوْعِي | شَعْباً بُوَادِي النِّيلِ لَيْسَ يَنَامُ |
| ۹. إِنْ نَامَتِ الْأَحْيَاءُ حَالَتَ بَيْنَهُ | سَحَرًا وَ بَيْنَ فَرَاشِهِ الْأَحْلَامُ |
| ۱۰. مَتَوَجَّعٌ، يَتَمَثَّلُ الْيَوْمَ الَّذِي | ضَجَّتْ لَشِدَّةِ هَوْلِهِ الْأَقْدَامُ |

ترجمه: ۱. ای دنشوای! سلام بر تپه‌های تو باد که گردش روزگار انس و الفت کوی و برزن تو را از بین برده‌است.
 ۲. شهیدان حکم تو در کشور، پراکنده شدند و دیگر بعید به نظر می‌رسد که آن جمع پراکنده، دوباره گرد هم آیند.
 ۳. آن شهیدان ماه‌ها پیش، در قبرها آرمیده‌اند و یکسال است که در بند هستند. ۴. حال و روز بیوه‌زن‌ها و یتیمان بی‌سرپرست چگونه است؟ ۵. بیست خانه خالی از سکنه گشته است و وحشت و تاریکی آن‌ها را دربرگرفته‌است. ۶. ای کاش می‌دانستم که آن آشیانه‌ها، محل زندگی کبوترهاست یا اینکه محل مرگ و نابودی است؟ ۷. ای نرون! اگر عهد و زمانه لرد کرومر را می‌دیدید قطعاً می‌دانستی که حکم‌ها چگونه اجرا می‌شود. ۸. ای کبوتران دنشوای مویه کنید و بترسانید ملتی را که در سرزمین مصر، خواب و آرامش ندارند. ۹. اگر زندگان قصد خواب کنند، رؤیاها در سحرگاهان مانع خواب آن‌ها می‌شود. ۱۰. ملت مصر دردمند است و آن نشان‌دهنده روزی است که پاها از شدت ترس و هراس می‌لرزند.

۲-۳. قصیده «حادثه دنشوای» حافظ ابراهیم

از طرف دیگر حافظ ابراهیم، معاصر احمد شوقی در چندین قصیده، حادثه دنشوای را به تصویر کشیده‌است. وی در اولین قصیده‌ای که درباره دنشوای سروده به تفصیل، جزئیات آن را به تصویر کشیده‌است؛ گویی که خود، نظاره‌گر آن بوده است. مخاطب حافظ ابراهیم در این قصیده انگلیسی‌ها بوده و با طعنه به انتقاد از آن‌ها پرداخته است:

۱. اَيْهَآ (القَائِمُونَ) بِالْأَمْرِ فِينَا	هَلْ نَسِيْتُمْ وَّلَاءَنَا وَ الْوِدَادَا
۲. خَفِضُوا جَيْشَكُمْ وَ نَامُوا (هَنِينَا)	وَ ابْتَغُوا صَيْدَكُمْ وَ جُوبُوا الْبِلَادَا
۳. وَإِذَا أَعْوَزْتَكُمْ (ذَاتُ) طَوْقٍ	بَيْنَ تِلْكَ الرُّبَا فَصِيدُوا الْعِبَادَا
۴. إِنَّمَا نَحْنُ وَ الْحَمَامُ سَوَاءٌ	لَمْ تُغَادِرْ أَطْوَأَفْنَا الْأَجِيَادَا
۵. لَا تَطْنُونَا بِنَا الْعُقُوقَ وَ لَكِنْ	أَرْشِدُونَا إِذَا ضَلَّلْنَا الرِّشَادَا
۶. لَا تَقْتِيدُوا مِنْ أُمَّةٍ (بِقَتِيلِ)	صَادَتْ الشَّمْسُ نَفْسَهُ حِينَ صَادَا
۷. جَاءَ جِهَالُنَا بِأَمْرِ وَ جِئْتُمْ	ضِعْفَ ضِعْفَيْهِ قَسْوَةً وَ اشْتِدَادَا
۸. أَحْسِنُوا الْقَتْلَ إِنْ ضَنِنْتُمْ بِعَفْوِ	أَقْصَاصاً أَرَدْتُمْ أَمْ كَيْدَا؟
۹. أَحْسِنُوا الْقَتْلَ إِنْ ضَنِنْتُمْ بِعَفْوِ	أَنْفُوساً أَصَبْتُمْ أَمْ جِمَادَا؟
۱۰. لَيْتَ شِعْرِي أَتِلْكَ مَحْكَمَةَ التَّفْ	تِيْشِ عَادَتِ أَمْ عَهْدُ نَيْرُونَ عَادَا؟

(ابراهیم، ۲۰۰۴: ۲۰)

ترجمه: ۱. ای کسانی زمام امور ما را بر عهده دارید! آیا دوستی و وفاداری ما را فراموش کرده‌اید؟ ۲. تعداد لشکر و سپاهیان‌تان را کم کنید، آرام بخوابید، به دنبال صید خود باشید و سراسر این کشور را درنوردید. ۳. اگر برای شکار، کبوتر طوق دار نیافتید، در بین آن تپه‌ها، انسان‌ها را شکار کنید. ۴. ما و کبوترها مثل هم هستیم، غل و زنجیر و طوق، دائماً بر گردنمان آویزان است. ۵. گمان میرید که ما عاق شده‌ایم؛ اما اگر گمراه شدیم، شما ما را ارشاد کنید. ۶. بخاطر یک کشته، یک امت را در گرو نگیرید (انتقام نگیرید)، شدت گرمای خورشید (گرمزدگی)

باعث آن قتل شد. ۷. افراد نادانِ ما، دست به کاری زدند، شما چندین برابر، با قساوت و شدت عمل کردید. ۸. اگر در عفو کردن بخل می‌ورزید، پس به شیوه درست بکشید، هدف شما قصاص به حق است یا قصاص همراه مکر و حيله؟ ۹. اگر در عفو کردن بخل می‌ورزید پس به شیوه درست بکشید، جان ما را میخواهید بستانید یا جسم ما را؟ ۱۰. ای کاش می‌دانستم که آن دادگاه تفتیش است یا اینکه دوران نرون (حاکم ظالم روم) دوباره بازگشته است؟

برای رسیدن به نتایج دقیق و مطمئن، سعی بر آن شد تا جامعه آماری یکسان باشد؛ و به همین منظور؛ همان طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، جامعه آماری این پژوهش ۱۴ بیت نخست دو قصیده می‌باشد اما برای آگاهی از نحوه اجرای معادله بوزیمان طبق مبانی نظری و عملی که ذکر گردید، ۱۰ بیت نخست دو قصیده، برای نمونه کار انتخاب شده است. شایان ذکر است برای سهولت تشخیص، زیر فعل‌ها خط کشیده شده و صفات، بین پرانتز قرار داده شده است. پس از شمارش فعل‌ها و صفات‌ها، در قصیده/احمد شوقی، تعداد فعل‌ها ۱۵ و تعداد صفات‌ها عدد ۱ را نشان می‌دهد. حال پس از تقسیم تعداد فعل‌ها بر صفات‌ها، خارج قسمت که همان نسبت فعل به صفت است، عدد ۱۵ را نشان می‌دهد؛ اما در ده بیت نخست قصیده حافظ ابراهیم، تعداد فعل‌ها ۲۴ و تعداد صفات عدد ۴ است که نسبت فعل به صفت در این قصیده عدد ۶ را نشان می‌دهد. طبق اصول و مبانی معادله بوزیمان و نتایج به دست آمده، سبک/احمد شوقی نسبت به سبک حافظ/ابراهیم از ادبیت بیشتری برخوردار است. چون نسبت فعل به صفت در اشعار وی چیزی حدود چهار برابر این نسبت، در اشعار حافظ می‌باشد. اما در ادامه روند، تعداد افعال، در قصیده ۱۴بیتی/احمد شوقی ۱۷ و تعداد صفات عدد ۲ است. و از طرف دیگر تعداد افعال در ۱۴ بیت نخست قصیده حافظ ابراهیم ۳۱ و تعداد صفات عدد ۸ است. این یعنی نسبت فعل به صفت در کل قصیده/احمد شوقی ۸/۵ و این نسبت در قصیده حافظ/ابراهیم ۳/۸ است که نشان‌دهنده ادبیت بیشتر سبک/احمد شوقی می‌باشد.

اینک برای تبیین بیشتر نتایج، داده‌ها در قالب جدول‌های زیر ارائه می‌گردد:

جدول شماره (۱). اطلاعات وصفی قصیده «ذکری دنشوای»/احمد شوقی

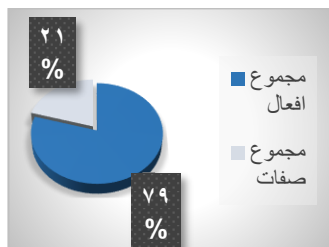
نام قصیده	تعداد ابیات	تعداد افعال	تعداد صفات	ن.ف.ص
ذکری دنشوای	۱۴	۱۷	۲	۸/۵

جدول شماره (۲). اطلاعات وصفی قصیده «حادثه دنشوای» حافظ/ابراهیم

نام قصیده	تعداد ابیات	تعداد افعال	تعداد صفات	ن.ف.ص
حادثه دنشوای	۱۴	۳۱	۸	۳/۸

با این حال نمی‌توان سبک حافظ ابراهیم را، سبکی غیرادبی به حساب آورد بلکه تنها، سبک وی به نسبت سبک احمد شوقی از ادبیت کمتری برخوردار است؛ همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد میزان ادبیت در شعر، بیشتر از نثر

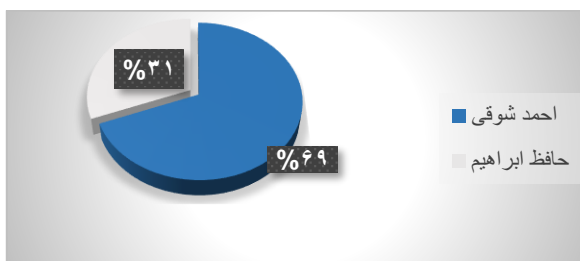
است و از طرف دیگر چون که شخصیت‌های این پژوهش، شاعر هستند، پس سبک هردو آن‌ها ادبی است. اما این نسبت نزد آن دو، متفاوت است. جهت وضوح و تبیین بیشتر، همین داده‌ها در قالب نمودارهایی ارائه می‌گردد:



نمودار(۲). نسبت مجموع افعال به صفات در قصیده حافظ/ابراهیم



نمودار(۱). نسبت مجموع افعال به صفات در قصیده احمد شوقی



نمودار(۳). (ن.ف.ص) در قصاید احمد شوقی و حافظ ابراهیم

در پژوهش حاضر سعی بر آن شده است تا به صورت علمی و دقیق و به کمک اعداد و ارقام، میزان ادبیت و کیفیت سبک دو شاعر بررسی شود. با توجه به محاسبات انجام گرفته، از مجموع افعال و صفات و نسبت افعال به صفات و ارائه داده‌ها، بر روی جداول و نمودارها، نتایج حاکی از آن است که سبک احمد شوقی به نسبت سبک حافظ/ابراهیم ادبی تر است. اینک با توجه به اصول و مبانی معادله بوزیمان و داده‌های به دست آمده، به تحلیل نتایج پرداخته می‌شود:

۴-۲. تحلیل داده‌های به دست آمده

قبل از پرداختن به تحلیل نتایج، ذکر این نکته مهم، ضروری به نظر می‌رسد و آن این که اساس شکل‌گیری معادله بوزیمان، متون نثری بوده است. این بدان معناست که معادله بوزیمان در اکثر متون نثری، نتیجه مطلوب و قابل قبولی ارائه می‌دهد؛ لذا نباید انتظار داشت که عوامل و شاخصه‌ها در این معادله که اساس شکل‌گیری آن برای متون نثری بوده است، صد در صد بر متون شعری، قابل تطبیق باشد. از طرف دیگر این معادله یک معادله نسبی است. در این جا نباید سخن سعد مصلوح مبنی بر نسبی بودن عوامل اثرگذار در این معادله را فراموش کرد. وی بر این باور است که عوامل مؤثر در افزایش و کاهش نسبت فعل به صفت، امری نسبی است و مطلق نیست؛ به عبارت دیگر معیارها در این معادله نسبی هستند. این بدان معناست که همه عوامل اثرگذار در این معادله، به طور یک جا و صد در صد حکم نمی‌کنند و حقانیت از آن عوامل و فاکتورهای غالب است؛ یعنی ممکن است از مجموع عوامل اثرگذار، تعداد اندکی بر خلاف نتیجه به دست آمده باشد؛ همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد عوامل و شاخصه‌هایی وجود دارد که بودن یا نبودن آن‌ها در یک اثر ادبی، نسبت فعل به صفت

را در آن اثر، دستخوش تغییرات قرار می‌دهند. عوامل اثرگذار در این معادله، شامل دو مقوله ساختاری (Form) و محتوا و مضمون (Content) است و هر کدام به شاخصه‌هایی تقسیم می‌شوند که بیشتر زیرشاخصه‌های مقوله ساختاری، ویژه متون نثری است و هیچ کاربردی در متون شعری ندارد. از جمله زیرشاخصه‌های مقوله ساختاری مانند متون علمی، مطبوعاتی، حکایت‌های مردمی، افسانه‌ای، گفت‌وگوهای واقعی، حدیث نفس و موارد یادشده از حیطة این پژوهش خارج است (شیرزادی، ۱۳۹۴، ۹۸).

از طرف دیگر با کمی تأمل می‌توان دید که تفاوت آشکار میان دو قصیده، نوع اسلوب آن دو است که در قصیده احمد شوقی از اسلوب خبری و افعال ماضی استفاده شده است، در صورتی که در قصیده حافظ/ابراهیم، بیشتر از اسلوب طلبی (امر و نهی و استفهام و ندا و . . .) استفاده شده است و گاهی جنبه مطالبه‌گرایانه دارد و واکنش شاعر به حادثه دنشوا، منفعلانه نیست. شوقی برای من مصری از ضمیر جمع غایب استفاده می‌کند و من مصری حضوری کم رنگ و منفعلانه دارد، در صورتی که حافظ/ابراهیم در قصیده خود از ضمیر متکلم جمع (فینا، ولاءنا، أطواقنا، بنا، ارشدونا، ضللنا، جهلنا، لسننا، اكرمونا، بأرضنا، علمتنا) استفاده می‌کند تا با قرار دادن آن در برابر انگلیسی‌ها، حضوری پررنگ و فعال داشته باشد و من مصری را صاحب اراده و ملتی مستقل نشان دهد که حق و حقوقی دارد و در دفاع از آن با اراده هستند. حافظ/ابراهیم در همین ۱۴ بیت نخست قصیده خود، بیش از ۱۵ بار از اسلوب طلبی (صیدوا، لاتضنوا، ارشدونا، لاتقیدوا، أحسنوا و . . .) استفاده کرده است. و جالب آن که تقریباً هیچ کدام از اسلوب‌های طلبی، در معنای حقیقی خود به کار نرفته است، بلکه در معنای مجازی و با اغراضی همچون تهکم و تمسخر، تعجب، انکار، تحسّر و دردمندی و . . . به کار رفته است که همگی حکایت از فضای مطالبه‌گری و طعن و نیشخند به اشغالگران انگلیسی دارد؛ برای مثال وی اولین بیت قصیده خود را به یک استفهام انکاری آغاز می‌کند:

أَيُّهَا (الْقَائِمُونَ) بِالْأَمْرِ فِينَا هَلْ نَسِيتُمْ وِلَاءَنَا وَ الْوِدَادَا

حافظ با این شیوه، سعی دارد در انتقال پیام خود، جلب توجه بیشتری نماید و همزمان اسلوب ندا و منادا را نیز در آن، به کار می‌گیرد (سعدالدین، ۱۴۰۳: ۹۴۱).

یا اینکه در بیت دوم قصیده، ۴ بار فعل امر را به کار برده است:

خَفِّضُوا جَيْشَكُمْ وَ نَامُوا هَنِينَا وَابْتَغُوا صَيْدَكُمْ وَ جُوبُوا الْبِلَادَا

(ابراهیم، ۱۹۹۲: ۲۰)

وی با این شیوه، خواهان خروج نیروهای انگلیسی از سرزمین مصر می‌شود و زبان طعنه خود را به کار می‌گیرد تا روحیه وحشیانه آن‌ها را به تصویر بکشد. حال آن‌که استفاده شوقی از اسلوب طلب به تعداد انگشتان یک دست نمی‌رسد.

۲-۴-۱. شاخصه‌های ساختاری اثرگذار در معادله بوزیمان

۲-۴-۱-۱. زبان شعر

زبان شعر، یکی از عوامل مؤثر بر ادبیت سبک است؛ یعنی هرچه متن، به زبان شعر نزدیک‌تر و به همان میزان از زبان نثر دورتر باشد، آن متن ادبی‌تر است. به عبارت دیگر متون شعری در مقایسه با متون نثری، از ادبیت بیشتری برخوردار است. بدین معنا که کلام منطوق و گفتاری از کلام مکتوب و نگارشی ادبی‌تر است؛ زیرا در کلام مکتوب، برخلاف کلام منطوق که ارتجالاً و فی‌البداهه ایراد می‌شود، نویسنده فرصت تنقیح کلام و ویرایش ادبی آن را پیدا می‌کند؛ لذا کلام نوشتاری به اسلوب عقلی و ذهنی نزدیک‌تر است (امرائی، ۱۴۰۱: ۱۳). با توجه به اینکه هر دو شخصیت در پژوهش حاضر، شاعر هستند پس زبان آن‌ها، زبان شعری است. و به تبعیت از این قانون، می‌توان ادعا کرد که سبک هر دو شاعر ادبی است و این سخن، سخنی است درست؛ زیرا - همان طور که در صفحات پیشین مشخص شد - سبک شوقی سبکی است ادبی؛ چون میزان استفاده وی از فعل، به نسبت صفت، چیزی حدود هشت برابر است که دلالت بر ادبی بودن سبک شوقی دارد؛ اما آنچه که در شعر حافظ آشکار است، مردمی بودن شعر حافظ و همچنین سادگی زبان و واژگان شعر حافظ است که در اکثر موارد نیازی به جست‌وجو در فرهنگ لغت ندارد، همین امر آن را به زبان نثر نزدیک کرده است (راهی الحسناوی، دون تا: ۱۳۹). و از طرف دیگر زبان شعری حافظ، اساساً زبانی منثور است که در چارچوب عروضی خلق شده است و شکل بلاغت به خود گرفته است؛ زیرا مستلزم استفاده از ابزارهای متقاعدکننده و استدلال است که مهم‌ترین آن، اسلوب شرط است.

وَإِذَا أَعْوَزْتَكُمْ ذَاتُ طُـوْقٍ بَيْنَ تِلْكَ الرُّبَا فَصِيدُوا الْعِبَادَا

حافظ در این بیت، جهت اقنای مخاطب با بکارگیری اسلوب شرط، به انگلیسی‌ها طعنه قساوت و سنگدلی می‌زند و می‌گوید: نزد شما، شکار انسان با شکار کبوتر فرقی ندارد. یا اینکه در خطاب به قاضی هبلایوی که در بحث حکمیت حادثه دانشوای، به انگلیسی‌ها پیوسته بود، چنین سروده است:

وَإِذَا سُئِلْتَ عَنِ الْكِنَانَةِ قُلْ لَهُ هِيَ أُمَّةٌ تَلْهُو وَشَعْبٌ يُلْعَبُ

(اگر از تو درباره مصر پرسیدند، بگو آن امتی است که بازیچه قرار گرفته است). همانطور که آشکار است، ابیات بالا بیشتر شبیه نثر است تا شعر. این اسلوب حافظ، باعث کاهش ادبیت سبک وی شده است. همان‌گونه که طه حسین نیز معتقد است: هرچند اسلوب خطابی، سادگی بیان و سهولت الفاظ حافظ، قیمت شعری وی را ضعیف کرده است؛ اما همین امر، باعث نفوذ عمومی و گسترده وی در نزد مردم شده است (رک: راهی الحسناوی، دون تا: ۱۴۰).

۲-۴-۱-۲. موسیقی

وزن، جزء ذات شعر محسوب و مهم‌ترین عامل آن شناخته می‌شود؛ زیرا باعث ایجاد موسیقی شده و شعر بدون موسیقی، در واقع شعر نیست. حتی شعرهای نیمایی هم نوعی وزن و موسیقی در آن‌ها نهفته است (ناعمی،

۱۳۹۸: ۱۳۷). قافیه نیز هرچند جزء ذات شعر محسوب نمی‌شود و بر آن عارض می‌شود در ادبیّت متن تأثیر بسزایی دارد، بیشتر از ۹۰٪ قافیه‌ها در اشعار، فعل هستند. حال با توجه به ایجاد فضای موسیقایی توسط فعل در شعر، کاربرد صفت، به مراتب در آن کم می‌شود (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۴۴۲). به همین دلیل است که سعد مصلوح معتقد است کاربرد فعل در اشعار بیشتر از صفات است اما در مقام مقایسه بین موسیقی دو شاعر در دو قصیده مذکور، آشکار است که هر دو آن‌ها به بحر طویل گرایش داشته‌اند و این گرایش غالباً به شاعر اجازه می‌دهد تا با تأمل بیشتر، به استدلال و روایت جزئیات بپردازند. اما ریتم زلال و موسیقایی سبک / احمد شوقی نسبت به حافظ / برهیم، چشم‌نوازتر است. بیشتر محققین از جمله شوقی ضیف معتقد هستند که شخصیت موسیقایی آشکار، نشان‌دهنده مهم‌ترین ویژگی هنری، در شعر / احمد شوقی است. تا زمانی که او را شناسی، به ارزش موسیقایی شعر وی، پی نخواهی برد. اگر گفته شود شعر او شگفت‌انگیزترین ملودی‌های شناخته شده در دوران مدرن ما را می‌سازد، اغراق نشده‌است؛ این به دلیل ماهیت موسیقایی و اعجاب‌انگیز سبک شوقی است که ارتعاشات حروف و الفاظ را به دقت می‌سنجد. از طرف دیگر شخصیت موسیقایی شوقی متأثر از بحتری است؛ به طوری که در فراز و فرودها و شدت و نرمی نغمه‌ها و آواها از وی تأثیر پذیرفته است؛ همین امر او را قادر ساخته تا اشعار خود را بر اساس موقعیت شعری و موسیقایی مناسب و مطابق با تجربه خود بسراید (ر.ک: راهی الحناوی، دون تا: ۱۴۶). قصیده «ذکری دنشوای» شوقی نیز بر همین اساس سروده شده است. شوقی در این قصیده، دست به دامن بحر طویل می‌شود و به وسیله آن روح غم و اندوه را منعکس می‌کند و ریتم آهسته آن با موضع شاعر، در برابر حادثه دنشوای سازگاری دارد.

یا دنشوای، علی رُباک سلامُ ذَهَبَتْ بِأَنْسِ رُبُوعِکِ الْأَيَّامُ
شهداء حُکمکِ فی البلاد تفرّقوا هیهاتَ لِلشَّمْلِ الشَّتِیتِ نِظام

همانطور که در ابیات فوق مشاهده می‌شود موسیقی ابیات، آرام و متناسب با صحنه غم‌انگیز شهر دنشوای است. و حال و هوای آن حادثه و پیامدهای دردناک آن، شاعر را بر آن داشته تا ریتم ابیات متناسب با درون‌مایه کلی آن باشد. همچنین تکرار حروف و عبارات در ریتمی موسیقایی، با ماهیت موضوع همخوانی دارد و چنین به نظر می‌رسد که تمرکز او به برخی حروف و تکرار آن، به قصیده وی موسیقی خاصی می‌بخشد؛ به عنوان مثال: تکرار و تمرکز / احمد شوقی نسبت به حرف «ح» - که اتفاقاً یادآور کبوتران (حمائم) و حادثه دنشوای می‌باشد- به همین دلیل است و وی هوشمندانه توانسته آرایه نغمه حروف را در جهت گوشنوازی هرچه بیشتر، به کار گیرد.

نوحی حمائم دنشوای، ورّعی شعباً بـِوادی النیلِ لیسَ ینامُ
إن نامت الأحياء حالت بیینه سَحَرّاً و بـِین فرایشه الأحلامُ

انتخاب حرف «م» برای قافیه نیز از باب چنین موضعی بوده است و او را قادر ساخته تا به وسیله آن، جزئیات حادثه و حال و روز اسفناک مردم مصر را تصویرسازی کند. واژگان (العام، حمام، الأحكام، قیام، عظام، زحام، رغام، ایتمام و . . .) در ارتباط با جزئیات حادثه است و حضور آن در این قصیده، شاعر را به غرض خود

نزدیک‌تر کرده است و به همین خاطر است که در مبحث موسیقی نیز میزان ادبیت سبک/حمد شوقی بر سبک معاصر خود فزونی یافته است.

۲-۴-۱-۳. بلاغت

سبک‌شناسی بلاغی از بخش‌های مهم و اساسی دانش سبک‌شناسی است؛ زیرا تمام ویژگی‌ها و مختصات آن که ادبیت یا وجه ادبی اثر را تشکیل می‌دهد و زمینه ادبی شدن آن را فراهم می‌آورد، در بلاغت نمود پیدا می‌کند که شفیهی کدکنی آن را تحت عنوان هنرنامه‌ها «Artistic devices» بیان کرده است. وی می‌گوید: «هر چه هست و نیست مسأله انگیزش هنرنامه‌ها است. وزن و قافیه و ردیف و تشبیه و استعاره و جناس و تمام ابزارهای موجود در آثار ادبی، بر اثر تکرار، ناتوان و غیر فعال می‌شوند، کار نویسندگان و شاعر این است که هنرنامه‌ها را فعال کند». (شفیهی کدکنی، ۱۳۹۱: ۶۰). بنابراین صنایع بدیعی را می‌توان نمودی از وادی بزرگ هنرنامه‌ها در بلاغت خواند که شاعر به کمک آن‌ها به شعر خود روح و روان می‌بخشد. یکی از تفاوت‌های زبان عادی با زبان ادبی این است که مردم در زبان عادی خود از امثال جناس، سجع، ایهام، مراعات نظیر و... استفاده نمی‌کنند؛ یعنی آرایه‌های ادبی جزء «ذاتیات سبک ادبی» است (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۶). شایان ذکر است که تأکید هر شاعر صاحب‌سبک بر آرایه‌ای خاص، یادآور اصل «گزینش» است که نقش کارسازی در سبک دارد؛ به گونه‌ای که سبک‌شناسان، کارایی گزینش را با «انحراف» در سبک‌شناسی زبانی مقایسه می‌کنند (رک: مکاریک، ۱۳۸۴: ۱۸۵). هر چند سبک شوقی به نسبت سبک حافظ/ابراهیم از صیغه ادبی بیشتری برخوردار است اما کسی منکر استفاده حافظ/ابراهیم از مجموعه صنایع ادبی نیست. مسئله اساسی این است که سبک حافظ نیز سبکی ادبی است اما به نسبت سبک شوقی از ادبیت کم‌تری برخوردار است، نه این که سبک وی سبکی فاقد ادبیت باشد؛ بلکه گاهی میزان ادبیت سبک وی در برخی شاخصه‌ها، به اندازه سبک شوقی و حتی گاهی بیشتر نیز می‌باشد. برای مثال؛ حافظ/ابراهیم به خوبی توانسته از آرایه‌های ادبی تصدیق، جناس، طباق و تکرار، کنایه و استعاره و تشبیه و... بهره ببرد. وی در بیت ۸ و ۹ قصیده خود، عبارت «أَحْسِنُوا الْقَتْلَ إِنْ صَنَنْتُمْ بَعْفُو» را دو مرتبه تکرار کرده است.

أَحْسِنُوا الْقَتْلَ إِنْ صَنَنْتُمْ بَعْفُو صَادَتِ الشَّمْسُ نَفْسَهُ حِينَ صَادَا
أَحْسِنُوا الْقَتْلَ إِنْ صَنَنْتُمْ بَعْفُو أَفْصَاصاً أَرَدْتُمْ أَمْ كِيَادَا؟

این تکرار حاکی از اصرار شدید او بر تأیید این ایده است که می‌خواهد برای مخاطب بفرستد؛ یعنی تا زمانی که انگلیسی‌ها عفو نکنند، کشته شدن، گزینه بهتری است. و در دو واژه «قصاصاً» و «کیادا» کنایه پر رمز و رازی نهفته است. «قصاص» در اینجا کنایه از کشتن به حق و «کیاد» کنایه از کشتن به ناحق است. یا اینکه در بیت ۵ به خوبی از عهده آرایه طباق برآمده است و واژه‌های «أَرَشِدُونَا» و «ضَلَلْنَا» را درست در مقابل هم قرار داده است (سعدالدین، ۱۴۰۳: ۹۴۲).

لَا تَنْظُرُوا بِنَا الْعُقُوقَ وَلَكِنْ أَرَشِدُونَا إِذَا ضَلَلْنَا الرَّشَادَا

همانطور که مشاهده شد، قصیدهٔ حافظ/براهیم در بکارگرفتن بیان و معانی، هنرنمایی بیشتری نسبت به قصیدهٔ/حمد شوقی داشته است و طبعاً در این مجال، میزان ادبیت قصیدهٔ وی از قصیدهٔ شوقی پیشی گرفته است؛ به عنوان مثال: حافظ/براهیم ماهرانه توانسته است در مصراع دوم بیت زیر، بیگناهی مردم مصر را با یک استعاره مکنیه اثبات کند.

لَأُثْقِيَهُمْ مِنْ أُمَّةٍ بِقَتِيلٍ صَادَتْ الشَّمْسُ نَفْسَهُ حِينَ صَادَا

هنگامی که وی خورشید را به انسان تشبیه کرده است و مشبهه را حذف کرده و اشاره مختصری به لوازم آن داشته است تا ذهن خواننده را به چالش بکشاند، به وسیله استعاره توانسته است جان دادن سرباز انگلیسی را به تصویر بکشد (همان: ۹۴۲). از طرف دیگر/حمد شوقی نیز در بیت زیر همزمان چندین صنعت را با هم به کار می‌گیرد و فضای خاصی به شعر خود می‌بخشد:

باليث شعري: في البروج حمامٌ أم في البروج منيةٌ و حمامٌ

(شوقی، دون تا: ۲۴۴)

شوقی در این بیت، به بهترین شکل ممکن از آرایهٔ جناس بهره برده است؛ به طوری که واژهٔ «حمام» (کبوتران) را که عامل آمدن شکارچیان به دنشوی بودند را با واژهٔ «حمام» (مرگ) جناس قرار داده است تا علاوه بر ایجاد صحنهٔ غم‌انگیز، ریتم و آهنگ خاصی را نیز القا کند. و همچنین آنگاه که دو واژهٔ «منیه» و «حمام» را در کنار هم ذکر می‌کند تا ترادف معنایی را به کار گیرد و یا با تکرار بجا و هنرمندانهٔ واج «م» صنعت نغمهٔ حروف را به بهترین شکل ادا کرده و باعث گوش‌نوازی و افزایش موسیقی شعر شده است. و جالب‌تر از همه، آن که برای ابراز آه و افسوس خود، ابتدای بیت را با عبارت «یا لیت شعری» شروع می‌کند تا تحسّر و دردمندی خودش را از این اتفاق تلخ، برای مخاطب القا کند.

۲-۴-۱-۵. تأثیرپذیری از مکتب رومانتیسیسم

/حمد شوقی با ادبیات فرانسه آشنا بود، و از بزرگان ادبیات فرانسوی تأثیرپذیرفته است. شوقی بیشترین تأثیر را از ویکتور هوگو پذیرفته است که به مکتب رمانتیک گرایش داشته و خیال‌پردازی و عاطفه که یکی از مؤلفه‌های مهم در این مکتب است، اساس کار معادلهٔ بوزیمان است (الفاخوری، ۱۳۸۷: ۹۷۵). به عبارت دیگر معادلهٔ بوزیمان معادله‌ای عاطفه‌سنج است و از ویژگی‌های بارز مکتب رمانتیک نیز عاطفه و خیال است.

۲-۴-۲. شاخصه‌های محتوایی اثرگذار در معادلهٔ بوزیمان

۲-۴-۲-۱. عمر

معمولاً سبک هر شاعر رابطهٔ تنگاتنگی با سن و عمر وی دارد، تا جایی که می‌توان گفت سن شاعر است که سبک وی را مشخص می‌کند؛ بدین معنا که نسبت فعل به صفت در سنین نوجوانی و جوانی افزایش می‌یابد و در سنین کهولت و کهن‌سالی کاهش می‌یابد، یا به عبارت دیگر هرچه که زمان سرودن اثر به جوانی نزدیک‌تر

باشد، میزان نسبت فعل به صفت بیشتر است و طبیعتاً درجهٔ ادبیت اثر نیز بیشتر می‌شود (مصلوح، ۱۹۹۲: ۸۰). با بررسی زندگی دو شاعر مشخص می‌شود که هردو آن‌ها با اختلاف سه سال از همدیگر می‌زیسته‌اند. شوقی متولد ۱۸۶۸م و حافظ متولد ۱۸۷۱م می‌باشد که احمد شوقی سه سال از حافظ/ابراهیم بزرگ‌تر بوده است و جالب آن که هردو آن‌ها در یک سال؛ یعنی در سال ۱۹۳۲ وفات یافته‌اند. و آن دو در جوانی نسبت به حادثهٔ دنشوای واکنش نشان داده‌اند و این بدین معنا است که مقولهٔ عمر تقریباً به طور یکسان در میزان ادبیت سبک آن‌ها تأثیر داشته است.

۲-۲-۴-۲. جنسیت

جنسیت را می‌توان یکی از عوامل و فاکتورهای اثرگذار در سبک شاعر و ادیب و به تبع آن، ادبی یا غیر ادبی بودن آثار دانست. سعد مصلوح بر این باور است که میزان ادبیت در نزد زنان، بیش‌تر از مردان است. به عبارت دیگر، معمولاً زنان نسبت به مردان از افعال بیش‌تر و صفات کم‌تری استفاده می‌کنند (مصلوح، ۱۹۹۲: ۸۲). این ویژگی برای تفکیک سبک زنان از مردان به کار می‌رود. نسبت فعل به صفت نزد زنان بیش‌تر از مردان است و این به دلیل احساسات و انفعالاتی است که به طور معمول نزد زنان بیش‌تر از مردان است؛ زیرا مردان نسبت به زنان از عاطفهٔ کمتری برخوردارند و بیش‌تر تمایل دارند که به سوی منطق و عقلانیت گرایش داشته باشند (صدقی، ۱۳۹۴: ۱۴۳). زنان و مردان، همانگونه که از لحاظ بیولوژیکی با یکدیگر تفاوت دارند، از لحاظ شیوهٔ گفتاری و نوشتاری نیز کاملاً یکسان نیستند و هر یک سبک و روش نوشتاری و گفتاری خاص خود را دارند (مقدادی، ۱۳۹۳: ۲۶۶). البته موضوع جنسیت، در این پژوهش دخالتی در میزان نسبت فعل به صفت در سبک شعر احمد شوقی و حافظ/ابراهیم ندارد؛ زیرا سبک هردو آن‌ها، سبکی مردانه است.

۳. نتیجه‌گیری

برآیند کلی پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بر اساس معادلهٔ بوزیمان، سبک احمد شوقی از ادبیت بیش‌تری برخوردار است؛ اما نگاهی جزئی‌تر نشان می‌دهد که حافظ/ابراهیم در برخی شاخصه‌ها، بر احمد شوقی مقدم است و در یک مورد با وی برابری می‌کند. این نتیجه‌گیری کلی، پس از محاسبهٔ آمارها و تحلیل داده‌ها به دست آمده است. هرچند که سبک حافظ/ابراهیم در برخی از شاخصه‌ها تقریباً در حد و اندازهٔ سبک احمد شوقی، صبغهٔ ادبی به خود می‌گیرد؛ اما در مجموع، این سبک احمد شوقی است که ادبی‌تر است. واقعهٔ دنشوای یکی از مهم‌ترین حوادث سیاسی در تاریخ سیاسی مصر و حتی تاریخ سیاسی اعراب به شمار می‌رود که نه تنها تأثیرات عمیق اجتماعی و سیاسی بر مردم مصر گذاشت، بلکه به عنوان نقطهٔ عطفی در مبارزات ملی ضد استعمار، در ادبیات و هنر مصر نیز بازتاب یافت. و طبیعی بود که تأثیر مضاعفی بر شاعران و اشعار آن‌ها بگذارد. احمد شوقی و حافظ/ابراهیم از جمله شاعران معاصر بودند که علی‌رغم اینکه از نظر موقعیت سیاسی و اجتماعی، تفاوت ویژه‌ای با همدیگر داشتند، اما موضع فکری و روانی دو شاعر در دفاع استقلال کشور و دفع عناصر اشغالگر یکسان بود و روحیهٔ ظلم ستیزی در اشعار هر دو آن‌ها به خوبی نمایان است.

در بین شاخصه‌های تأثیرگذار در معادله بوزیمان که به دو مقوله ساختاری و محتوایی تقسیم می‌شود، مقوله محتوایی کم‌ترین تأثیر و مقوله ساختاری، بیشترین تأثیر را در ادبیت سبک دو شاعر داشته است. چون که شاخصه جنسیت به دلیل سبک مردانه در نزد آن دو، موضوعیتی ندارد و شاخصه عمر نیز به یک میزان در ادبیت سبک هر دو شاعر تأثیر داشته است. به عبارت دیگر از مجموع عوامل اثرگذار در میزان ادبیت سبک، در مقوله ساختاری، فقط عنصر بلاغت در قصیده *حافظ/براهیم* عنصری غالب بوده است و بقیه عوامل اثرگذار در میزان نسبت فعل به صفت نزد احمد شوقی بیشتر دیده می‌شود.

عامل محیطی و به دنبال آن، عامل روانی موجود در آن شرایط نامساعد مصر، در اشعار دو شاعر تأثیر مستقیمی داشته است و همین امر در میزان نسبت فعل به صفت اشعار آن دو، اثرگذار بوده است. دو شاعر هم وطن و معاصر در شرایط کاملاً متفاوتی چشم به جهان گشودند. *حافظ/براهیم* از ابتدا در محیط فقیرانه و مردمی مصر رشد کرد و عمیقاً با چنین فضایی درآمیخت. اما *احمد شوقی* بر خلاف *حافظ/براهیم*، در دربار خدیوی بزرگ شد و به نسبت شاعر هم عصرش از قید و بندهای کمتری رنج می‌برد و در عوض در مورد رویدادهای سیاسی و اجتماعی، از آزادی بیان کمتری برخوردار بود. همین موضوع باعث شد تا وی به نسبت *حافظ/براهیم*، واکنش دیر هنگام‌تری نسبت به حادثهٔ دنشواي داشته باشد. آن دو با سرودن اشعار حماسی، با اعتراض به این ظلم و نابرابری‌ها، صدای مردم مظلوم مصر را به جهان رساندند. این حادثه، که به نمادی از مقاومت در برابر سلطه و بی‌عدالتی تبدیل شد، هنوز هم در تاریخ معاصر مصر و ادبیات عربی جایگاهی ویژه دارد.

منابع

- ابراهیم، حافظ (۲۰۰۴). دیوان حافظ ابراهیم، الجزء الأول، بیروت: دارالعودة.
- امرائی، محمدحسین (۱۴۰۱). تحلیل مقابله‌ای ادبیّت سبک در توصیف «ایوان مدائن» از بحتری و «ایوان طاق بستان» از ارجانی بر اساس معادله بوزیمان، کاوشنامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)، (۱۲)، ۱-۲۰.
- بهار، محمد تقی (۱۳۸۹). سبک‌شناسی، جلد ۱، چاپ دهم، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- بهروزی، مجتبی و علی اصغر حبیبی (۱۳۹۵). تحلیل و مقایسه سبک شخصیت‌پردازی رمان‌های عصفور من الشرق و الشحاذ، بر اساس فرضیه بوزیمان، مجله زبان و ادبیات عربی، (۱۸)، ۱-۳۶.
- سعدالدین، بسمه عبدالحکیم عبدالرحیم (۲۰۲۴). قصیده حادثه دنشوای لحافظ ابراهیم فی ضوء المنهج البنيوي، المجلة العلمية، مصر: جامعة الأزهر، ۲۱، ۸۹۳-۹۵۷.
- الشایب، أحمد (۱۹۷۶). الأسلوب، الطبعة السابعة، مصر: مكتبة النهضة المصرية.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۱). رستاخیز کلمات. چاپ سوم، تهران: نشر سخن.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۵). کلیات سبک‌شناسی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فردوس.
- عبدالجلیل، عبدالقادر (۲۰۰۲). الأسلوبية و ثلاثة الدوائر البلاغية، الطبعة الأولى، عمان: دارالصفاء.
- شوقی، أحمد (دون تا). الشوقیات، الجزء الأول، بیروت: دارالكتاب العربي.
- شیرزادی، احد (۱۳۹۴). بررسی ادبیّت سبک‌ها بر اساس معادله بوزیمان در دیوان شظایا و رماد نازک الملائکه و دیوان محمد مهدی جواهری جلد ۱، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه خوارزمی.
- صدقی، حامد و حسین روستایی (۱۳۹۴). قیاس أسلوب الشعر في أنماطه الثلاثة: العمودي و الشعر الحر و قصيدة النثر، علی أساس معادله بوزیمان. مجلة الجمعية الايرانية للغة العربية و آدابها، ۱۱ (۳۴)، ۱-۱۸.
- صلال راهی الحسنای، عامر (دون تا). حادثه دنشوای موضوعاً شعراً بین أحمد شوقی و حافظ ابراهیم، دراسة موضوعية فنية موازنة. العراق: جامعة المثني.
- الفاخوري، حتا (۱۳۸۷). تاريخ الأدب العربي، الطبعة الخامسة، تهران: انتشارات توس.

فتوحی، محمود (۱۳۹۲). سبک شناسی، چاپ دوم، تهران، نشر سخن.

قهرمانی مقبل، علی أصغر (۱۴۰۰). الكامل قصراً و بحراً: سيميائية الكمال و الاعتدال في قصيدة البحترى في وصف قصر الكامل. مجلة الجمعية الإيرانية للغة العربية و آدابها، طهران: جامعة الشهيد بهشتي، ۵۹، صص ۳۳-۵۶.

الكوّاز، محمد كريم (۲۰۰۲). سبک شناسی اعجاز بلاغی قرآن، ترجمه: سيد حسين سيدی، چاپ اول، تهران: نشر سخن.

مقدادی، بهرام (۱۳۹۳). دانشنامه نقد ادبی از افلاطون تا به امروز، چاپ اول، تهران: نشر چشمه.

مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۴). دانش نامه نظریه های ادبی معاصر، مترجم: مهران مهاجر، محمد نبوی، تهران: انتشارات آگاه.

المقدسي، أنيس (دون تا). الاتجاهات العربية في العالم العربي الحديث، الطبعة الأولى، الجزء الأول، بيروت: دارالعلم للملایین.

مصلوح، سعد (۱۹۹۲). الأسلوب: دراسة لغوية احصائية، الطبعة الثالثة، القاهرة، عالم الكتب.

ناعمی، زهره؛ ترابی حور، لیلا (۱۳۹۸). بررسی ادبیّت سبک مجموعه شعری «قالت لی السّمراء» نزار قبّانی و «رستاخیز» سیمین بهبهانی بر اساس معادله بوزیمان، کاوشنامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)، ۹ (۶۳)، ۱۴۳-۱۲۳.